گفته او افرادی که در نهادهای سیاسی با مدیران و افراد عالی‌رتبه نشست‌وبرخواست داشتند و درعین حال در دانشگاه هم هستند، کنشگر مرزی‌اند: «احساس نارضایتی و شکاف بین واقعیت، این مسئله را ضروری می‌کند که بدانیم تا چه‌حد به‌عنوان پژوهشگر، از طریق پاسخی که به برخی پرسش‌ها می‌دهیم، جهان را تغییر می‌دهیم.» او معتقد است اگر کسی دغدغه‌مندانه به‌دنبال تغییر جهان است، فضای پژوهشگری و پذیرفتن پژوهشگری به‌عنوان حرفه، ظرفیت‌های لازم را به او نمی‌دهد: «او باید کنشگر باشد که بتواند آنچه دوست دارد را پیش ببرد که انواع مختلفی دارد. پرسش اصلی این است که آیا از طریق پاسخ‌دادن به برخی پرسش‌ها می‌توان فعالیتی انجام داد؟ جواب من این است که همانقدر که کارگر کارخانه لوله‌سازی می‌تواند صنعت انتقال آب را از طریق کنش روزانه ساخت لوله تغییر دهد، پژوهشگر هم می‌تواند از طریق پژوهش‌هایی که تولید می‌کند جهان را تغییر دهد.»

افشاردوست آمارهای مرتبط با تحصیلکردگان علوم اجتماعی را هم ارائه داد: «حدود ۳۰ میلیون نفر از جمعیت جامعه، تحصیلات دانشگاهی دارند و از میان آنها حدود هفت‌میلیون نفر شاغل‌اند. از میان این هفت‌میلیون، ۴۳۰ هزار نفر تحصیلات علوم اجتماعی دارند. جامعه علوم اجتماعی در این سال‌ها توانسته به ۴۳۰ هزار نفر، روش‌های علمی را یاد بدهد که از طریق آن پاسخی برای پرسش‌ها پیدا کند، سپس آنها را روانه بازار کار کرده است. البته همه ۴۳۰ هزار نفر پژوهشگر نیستند و در شغل مربوط به علوم اجتماعی مشغول به‌کار نیستند.» مشخص نیست چه‌بخشی از آنها در حوزه علوم اجتماعی مشغول به‌کارند اما افشاردوست با شیوه‌ای علمی، تقریبی از آنها ارائه می‌دهد: «از بین ۴۳۰ هزارنفر، ۱۲۰ هزارنفر به کار پژوهش در حوزه علوم اجتماعی مشغولند و این تقریب قابل‌دفاع است. آنها با داشتن تحصیلات عالی علوم اجتماعی، شغلی مرتبط با حوزه علوم اجتماعی دارند. از بین آنها ۳۰ تا ۴۰ هزارنفر تحصیلات تکمیلی دارند و ما زمانی که از پژوهشگر صحبت می‌کنیم از همه ۱۲۰ هزارنفر و ۳۰ تا ۴۰ هزارنفر دارای تحصیلات تکمیلی می‌گوییم.» بیشتر این جمعیت در استان تهران ساکنند و بیشتر هفت‌میلیون شاغل دارای تحصیلات عالی در دولت مشغول به‌کارند: «دولت نزدیک دوونیم میلیون کارمند دارد و به حدود ۶ میلیون نفر هم حقوق می‌دهد. جمعیت علوم اجتماعی خوانده و پژوهشگر بیشتر در تهران ساکنند و پس از آن، در اصفهان و خراسان رضوی و بیشتر هم در دولت مشغول به‌کارند. براساس شواهد، درآمد ماهیانه پژوهشگران، در بازه بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان است، همچنین براساس تجربه چندساله من، اگر پژوهشگران مستقل باشند، حدود ماهی ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان درآمد خواهند داشت.»

خط فقر در تهران برای یک خانواده سه‌نفره ۲۷ میلیون تومان است: «با همین عدد می‌توان گفت، بیشتر کسانی که پژوهشگر اجتماعی هستند زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اگر این آمار را بپذیریم، زیست پژوهشگرانه به شما این امکان را نمی‌دهد که چنان پاسخ‌های سترگی به پرسش‌ها بدهید که جهان تغییر کند.» او بر این‌باور است که علم نمی‌تواند کنشی را محقق کند و ضرورت ببخشد و هیچ‌گاه ایده‌ها جهان را تغییر نمی‌دهند: «ممکن است پژوهشگر از نتایج پژوهش برای تغییر استفاده کند اما دیگر در مقام پژوهشگر نیست. می‌تواند مطالبه‌گری کند و نیروی اجتماعی به‌وجود آورد و این موارد از طریق پاسخی که داده، محقق نمی‌شود. این کار را می‌توان از طریق اندیشکده‌ها انجام داد و افراد می‌توانند اندیشه‌ورز باشند، کنشگری را پیش ببرند و مسئولیت آن هم با خودشان است. پژوهشگری جایی است که از طریق روش علمی به برخی پرسش‌ها پاسخ می‌دهید و اگر به دنبال کارهای دیگری هستید، باید آن را در جای دیگری جست‌وجو کنید؛ نه در فضای پژوهشگری و از طریق پاسخی که می‌دهید.»

به گفته او کسی که از طریق ایده و پاسخی که به پرسش‌ها می‌دهد جهان را تغییر می‌دهد، پژوهشگر نیست؛ دانشمند آن حوزه است: «دانشمندشدن در برخی حوزه‌ها نیازمند سال‌ها پژوهش و علاقمندی است و باید شورمندانه تلاش کرد و پس از آن، یک‌شب پاسخی را پیدا می‌کنید که می‌تواند جهان را تغییر دهد. گاهی هم ممکن است این پاسخ هرگز به‌دست نیاید. شما چون پژوهشگر هستید، می‌توانید سال‌ها پژوهش کنید و ایده بکری سراغ شما نیاید. اگر کسی در این فضا وارد می‌شود که تغییر بزرگی ایجاد کند و از فضای پژوهشگری لذت نمی‌برد، باید آن را رها کند و دنبال کار دیگری برود.» افشاردوست معتقد است راه‌های کوتاه‌تر، مفیدتر و موثرتری از پاسخ‌دادن به برخی پرسش‌ها به‌عنوان یک پژوهشگر برای تغییر جهان وجود دارد.

در ادامه این نشست افشین خاکی، مدیر پروژه توسعه کسب‌وکارهای بومی محلی دیجی‌کالا هم از تجربه زیست حرفه‌ای‌اش به‌عنوان پژوهشگر در نزدیک به یک‌دهه گفت: «حوزه‌های شهری بیشترین فعالیت من در ۱۰ سالی بود که به‌عنوان پژوهشگر فعالیت می‌کردم. در برخی موارد کارهایی که انجام می‌شدند اختلاف فاحشی با نتایج پژوهشی من داشتند و تصمیم‌گیری‌ها کاملاً متضاد بود. در جلسات حاکمیتی و دولتی از جایی به‌بعد ما را حذف می‌کردند و وارد فضای بوروکراتیکی می‌شدیم و فاکتورهای دیگری تاثیرگذار بود.» او می‌خواست نتایج پژوهش‌هایش در تصمیم‌گیری‌ها اثرگذار باشد در حالی که ۹۰ درصد آنها بی‌نتیجه می‌ماندند: «درآمد، محرک اصلی نیست و پاسخ‌دادن، محرک اصلی ماست و به‌همین‌علت سرخوردگی ایجاد می‌شود. طرح‌های توسعه‌ای و مطالعاتی گاهی تبدیل به مکانیزمی برای تقسیم پول نفت بین ذی‌نفعان می‌شود. طرح‌های مطالعاتی پوششی می‌شود که به وسیله آن، پول بین تحصیلکرده‌ها توزیع شود و هرچه ذی‌نفعان قوی‌تر باشند، سهم بیشتری می‌گیرند و من این را در حوزه آب دیدم که به‌عنوان مافیای آب هم شناخته می‌شود.» او درنهایت وارد دیجی‌کالا شده و به‌عنوان مدیر پروژه توسعه کسب‌وکارهای بومی محلی از روزنه‌ای که فضاهای نوآور ایجاد کردند، استفاده کرده تا طرح‌هایی را به مرحله اجرا برساند: «این همان راهی است که می‌تواند به تاثیرگذاری منجر شود. من به‌عنوان یک پژوهشگر علوم اجتماعی نمی‌توانم ادعا کنم که ساختاربندی ذهنی تئوریکال حرف‌زدن را از دست دادم و کسی هستم که از مطالعات اجتماعی برداشت نهایی را می‌کنم و آنها را در میدان عمل می‌برم و تغییراتی انجام می‌دهم و می‌بینم نتیجه‌بخش خواهد بود یا خیر و اگر نباشد، بار دیگر به پژوهش‌های انجام‌شده برمی‌گردم و تلاش می‌کنم راه‌های جدیدی پیدا کنم.» او در این مسیر احساس بیگانگی را ازدست‌داده و دیوارهای بوروکراتیک دیگر برایش بلند نیست: «من تلاش می‌کنم افراد حوزه علوم اجتماعی را وارد کسب‌وکارها کنم چون در این مسیر حدی از عاملیت وجود دارد که می‌تواند راهگشا باشد و تغییر ایجاد کند.»

موسسات پژوهشی، نیازمند رهایی‌بخشی

در نشست دوم سالار کاشانی، عضو هیئت‌علمی موسسه مطالعات اجتماعی و فرهنگی، محور سخنرانی خود را نقد موسسات پژوهشی وابسته به دولت قرار داد و آماری درباره تعداد این موسسات اعلام کرد. به گفته او و به استناد سامانه «آی. اس. سی»، ۵۸ موسسه پژوهشی زیرنظر وزارت علوم مشغول به‌کارند: «تعداد زیادی موسسه پژوهشی دولتی هم داریم که زیرمجموعه وزارت علوم نیستند و وابسته به دستگاه‌های اجرایی و تابع قواعد خودشان هستند. در موقعیتی درباره پژوهش دولتی صحبت می‌کنیم که تعداد موسسات پژوهشی تحت نظارت و مدیریت دولت زیاد است و بیش از نیمی از ۵۸ موسسه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی کار می‌کنند.»

او معتقد است، نهاد دانشگاه در ایران برآمده از خواست و اراده دولت است: «ما سال ۱۳۱۳ را به‌عنوان نقطه شروع آموزش عالی رسمی در ایران می‌شناسیم که سال تاسیس دانشگاه تهران است و درواقع نقطه آغاز جزئی از پروژه دولت-ملت‌سازی در ایران است. دولت پهلوی اول دانشگاه را تشکیل می‌دهد چون انتظارات مشخصی از یک نهاد جدید دارد و این انتظارات ربط مستقیم به چیزی که در آن دوره قرار بود در ایران ساخته شود، دارند. استاد دانشگاه، نه برای پیگیری ایده حقیقت‌گویی یا چیزی شبیه این، بلکه به‌عنوان بخشی از دستگاه بوروکراسی دولتی در ایران ایجاد شده است. در بسیاری جاهای دیگر دنیا هم مبنای شکل‌گیری دانشگاه همین بوده است. اما دولت پهلوی اول، پهلوی دوم و جمهوری اسلامی در این نکته با هم مشترکند. آنها یک انتظار عمومی دارند و آن هم تربیت شهروندان همگنی است که بتوانند سوژه‌های مطیع دولت ملی جدید باشند و این (مسیر) در ادامه آموزش عمومی است که در دولت‌های مدرن بخش اساسی دولت-ملت‌اند. بدون این فرآیند آموزشی، دشوار است که دولت ملت به‌صورت بهینه شکل بگیرد.»

به گفته کاشانی یکی از مواردی که دولت از نهاد دانشگاه در دهه‌های اخیر انتظار داشته، این است که به این یکپارچگی و وفاداری به یک واحد سیاسی ـ اجتماعی به‌نام دولت ملی کمک کند. علاوه بر این، دولت یک کارکرد اختصاصی‌تر هم از دانشگاه انتظار داشته و آن تربیت نیروی متخصص مورد نیاز برای دستگاه بوروکراسی و در ادامه صنایعی است که در کشور شکل می‌گیرد؛ از نگاه این پژوهشگر، دولت از دانشگاه می‌خواهد نه‌تنها با فضای کلی نظم موجود سیاسی و اجتماعی همنوا باشد، بلکه بخشی از سازوکاری باشد که این همنوایی در آن بازتولید می‌شود، اما واقعیت این است که دانشگاه هم مثل بقیه پدیده‌ها و نهادهای مدرن دو وجه دارد؛ وجه انضباط‌بخش و وجه رهایی‌بخش.

به گفته کاشانی در هیچ‌کدام از دوره‌های تاریخی در دولت‌های مختلف، وجه رهایی‌بخش دانشگاه دقیقاً به آنچه دولت‌ها می‌خواستند، تبدیل نشده است: «دانشگاه همیشه وجه رهایی‌بخش داشته است؛ بُعدی از آن که دولت‌ها نمی‌خواهند. در بیشتر جنبش‌های اجتماعی که بعد از تأسیس دانشگاه در ایران شکل گرفتند، دانشگاه نقشی در شکل‌گیری آنها داشته یا کنشگران دانشگاهی آنها را شکل دادند یا در خود دانشگاه شکل گرفتند. رابطه دوگانه انضباط و رهایی با نوسان‌های مختلف ادامه داشته اما هیچ‌وقت دانشگاه تبدیل به آن نهاد مطیع هم‌نوا نشده است. پس از انقلاب در رابطه بین دانشگاه و دولت، یک عنصر چالش برانگیز دیگر به‌نام ایدئولوژی اضافه می‌شود.» کاشانی اضافه می‌کند که نظام سیاسی جدید پس از انقلاب، به‌ویژه در علوم انسانی، دچار این مسئله است که پیش‌فرض‌های علمی حاکم بر دانشگاه با پیش‌فرض‌های حاکم بر ایدئولوژی رسمی دولت سازگار نیست و این موضوع زمینه فاصله‌گذاری تاریخی در رابطه بین دولت و دانشگاه می‌شود: «نظام سیاسی معتقد به حقیقتی است که دانشگاه لزوماً به آن باور ندارد و دانشگاه براساس مفروضاتی کار می‌کند که نظام سیاسی لزوماً آن‌ها را نمی‌پذیرد. این چالش در تمام این سال‌ها وجود داشته و عامل اقدامات انضباط‌بخش جدید دولت در قبال دانشگاه مانند محدود و کنترل‌کردن شده است. دانشگاه چه در دولت پهلوی، چه در دولت جمهوری اسلامی، آن کارکردهایی که دولت‌ها از آن انتظار داشتند را به‌طور کامل برآورده نمی‌کند و پس از انقلاب به همه این دلایل از مرحله‌ای به‌بعد، می‌بینیم که بخش‌های مختلف دولت به این نتیجه می‌رسند که در حاشیه بوروکراسی‌ها، موسسات پژوهشی درست کنند. یکی از دلایل اینکه چنین اتفاقی می‌افتد و ما امروز تعداد زیادی موسسه پژوهشی وابسته به دولت در ایران داریم این است که دولت نیاز به تحت کنترل درآوردن فرآیند پژوهش دارد. چیزی که در دانشگاه به‌طور کامل نمی‌تواند به‌دست بیاورد. زمانی که پژوهش تبدیل به جزئی از بوروکراسی دولتی می‌شود، یعنی جایی که دولت خودش بودجه را تعیین می‌کند و خودش بر مراحل انجام پژوهش نظارت دارد و درواقع بهره‌بردار نهایی پژوهش است، کنترل ساده‌تر اتفاق می‌افتد. درنهایت کنترل افزایش پیدا می‌کند اما پژوهش‌هایی که به‌این‌ترتیب انجام می‌شوند عموماً بی‌حاصل هستند. ما با فرآیندی روبه‌رو شده‌ایم که دولت خودش سفارش‌دهنده است، بر روند پژوهش نظارت می‌کند، هزینه آن را پرداخت و از آن بهره‌برداری می‌کند. قاعده پژوهش همانند قاعده دانشگاه، استقلال است. محقق باید مستقل باشد تا بتواند پژوهشی انجام بدهد که به‌کار بیاید. شاخص آزادی آکادمیک در ایران همانطور که پیش‌بینی می‌شود در پایین‌ترین بخش‌های رده‌بندی این شاخص قرار گرفته است.» کاشانی در توضیح بیشتر گفت: «در ایران موسسات پژوهشی و پژوهشگاه‌هایی داریم که نمی‌دانند قرار است چه باشند. آنها هم‌زمان هم ادعای حقیقت محوری، مأموریت‌های ملی و ارتباط با بازار و صنعت را دارند. این موارد همه جدا از یکدیگرند و نمی‌توان با یک مکانیزم آنها را اداره کرد. الگوی بهینه اداره موسسات پژوهشی دولتی، تفکیک مأموریت‌های متفاوت و مدیریت‌کردن آنها و قرار دادن ابزارهای مناسب برای هر ماموریت در اختیار موسسات پژوهشی است. در شرایط فعلی ماموریت‌ها، انواع کارکردهای پژوهش و تناسب آنها با ساختارهای حکمرانی و مدل‌های اداره موسسات پژوهشی چیزی است که می‌تواند وضعیت مدیریت پژوهش در ایران و مناسبات دولت و موسسات پژوهشی را کمی بهبود بخشند.»

سالار کاشانی
عضو هیئت‌علمی موسسه مطالعات اجتماعی و فرهنگی:

دانشگاه همیشه وجه رهایی‌بخش داشته است؛ بُعدی از آن که دولت‌ها نمی‌خواهند. در بیشتر جنبش‌های اجتماعی که بعد از تأسیس دانشگاه در ایران شکل گرفتند، دانشگاه نقشی در شکل‌گیری آنها داشته یا کنشگران دانشگاهی آنها را شکل دادند یا در خود دانشگاه شکل گرفتند

در بخش دیگری از این نشست، فریدون رحیم‌زاده، عضو پژوهشگاه علوم انسانی آمارهایی از تعداد موسسات پژوهشی در کشور اعلام کرد که طبق آن حدود ۷۱۰ موسسه پژوهشی وجود دارد که از میان آنها ۲۲۳ پژوهشکده درون‌دانشگاهی است. ۲۶ پژوهشکده خصوصی ۱۵ پژوهشکده عمومی و نهاد عمومی غیردولتی مانند شهرداری هم ۱۹ مورد است و حدود ۳۶ درصد زمینه فعالیت کل موسسات به علوم انسانی تعلق دارد. ازسوی‌دیگر، دانشگاه تهران ۵۹ موسسه پژوهشی، شهید بهشتی ۲۳، سیستان‌وبلوچستان پنج، تربیت‌مدرس ۲۰، اراک ۱۰ و رازی ۲۱ موسسه پژوهشی در قالب پژوهشکده‌ها، موسسات پژوهشی، مراکز پژوهشی و واحدهای آموزشی دارند. ۴۱۰ موسسه به بخش درون‌دانشگاهی وابستگی تشکیلاتی دارند و ۱۸۴ موسسه به بخش خصوصی. از مجموع ۷۱۲ موسسه، ۳۶۹ موسسه در تهران قرار دارند که به‌معنی ۵۱ درصد آنهاست.

رحیم‌زاده از یکسان‌انگاری آموزش با تحصیلات تکمیلی در اهداف یک موسسه انتقاد کرد و گفت: «ما ساختارها و قوانین مشوق هم داریم. به‌عنوان مثال، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گوید که پژوهشگاه‌ها می‌توانند نسبت به ارائه دوره کارشناسی‌ارشد و دکتری اقدام کنند. موسسات به‌لحاظ ساختار عملیاتی برای دستگاه‌های خصوصی و دولتی، حکم حیات خلوت به‌شکل‌های مختلف را دارد؛ به‌این‌معنا که اقداماتی غیرقابل انجام در نقاط دیگر را در آن پژوهشکده‌ها انجام می‌دهند. پشت این داستان اقتصاد سیاسی وجود دارد. ازسوی‌دیگر، غلبه نگاه توسعه کمی است که آسیب می‌زند. می‌خواهیم موسسه را به پژوهشکده تبدیل کنیم و بدون اینکه اقتضای پوست‌اندازی داشته باشیم، از بیرون آن را مجبور به توسعه می‌کنیم. نفوذ صرفاً به‌معنای دخالت در نتیجه پژوهش یا دستور به اینکه نتیجه پژوهش را مطابق میل آنها تنظیم کنیم، نیست. نظریه قدرت می‌گوید، قدرت در قالب ساختاریابی‌ها، شکل‌دادن‌ها و چینش‌ها دخالت می‌کند. به‌همین‌دلیل هم ساختارهای آموزشی در پژوهشکده‌ها و موسسات پژوهشی و در دانشگاه‌ها در سایر کشورها نسبت به اینجا غلبه‌می‌کند.»

خبرسازان

دلیل حادثه مرگبار اتوبوس محور نطنز

حسن مومنی، جانشین پلیس راهور فراجا گفته است که در حادثه واژگونی اتوبوس اصفهان-نطنز سهم ایمنی راه و عدم اجرای مصوبات، به‌ویژه نصب نیوجرسی، به‌طور جدی در دست بررسی است. حادثه واژگونی اتوبوس در محور اصفهان-نطنز که دوشنبه‌شب رخ داد، منجر به جان‌باختن ۱۳ نفر شد. جانشین پلیس راهور فراجا با تأکید بر نقش ایمنی راه در این حادثه گفت: «یکی از موضوعات مهم در این محور، سهم راه است. پیش‌تر مصوبه‌ای وجود داشته و به شرکت آزادراه‌ها نیز ابلاغ شده بود که در این مسیر باید نیوجرسی نصب شود. از چندسال گذشته مکاتبات متعددی با دستگاه‌های مربوطه انجام‌شده، اما متأسفانه این مصوبه اجرایی نشده است. قطعاً شرکت آزادراه‌ها در این حادثه سهم خواهد داشت و اگر نیوجرسی مطابق مقررات و مصوبات احداث‌شده بود، احتمالاً شاهد وقوع چنین تصادفی و جان‌باختن این تعداد از هموطنان نبودیم. این اتوبوس در پاسگاه پلیس‌راه شاهین‌شهر مورد کنترل و نظارت همکاران ما قرار گرفته و مشکل خاصی نداشته است. بررسی دوربین‌ها نیز نشان می‌دهد، سرعت خودرو غیرمتعارف نبوده است. درباره فرضیه خواب‌آلودگی نیز در حال حاضر نمی‌توان به‌صورت قطعی اظهارنظر کرد. باتوجه به مسافتی که اتوبوس پس از کنترل طی کرده، این فرضیه بعید به‌نظر می‌رسد، اما تا پایان بررسی کارشناسی نمی‌توان نظر قطعی ارائه داد.»

اعتراض به کمبود شربت تریاک

جمعی از درمانگران و فعالان حوزه درمان اعتیاد، دیروز با تجمع در مقابل وزارت بهداشت نسبت به کمبود «شربت تریاک» در مراکز ترک اعتیاد انتقاد کردند. علی احمدی، نایب‌رئیس صنف درمانگران اعتیاد استان تهران در این‌باره گفت: «در حال حاضر نزدیک یک‌میلیون بیمار وابسته به درمان نگه‌دارنده با شربت اپیوم در کشور، تحت پوشش مراکز درمان اعتیاد قرار دارند، اما در بیش از ۱۵ استان مراکز درمانی با کمبود یا قطع سهمیه دارویی مواجه شده‌اند.» او ادامه داد: «در استان‌هایی مانند همدان، هرمزگان و مازندران، برخی مراکز طی یک تا دو ماه اخیر هیچ‌گونه شربت اپیومی دریافت نکرده‌اند و در تهران نیز سهمیه‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای کاهش یافته، به‌گونه‌ای که برخی مراکز با ظرفیت ماهانه بیش از ۱۰۰ واحد، تنها حدود ۱۵ واحد دارو دریافت کرده‌اند.» نایب‌رئیس کانون درمانگران اعتیاد تهران هشدار داد: «کاهش یا قطع ناگهانی داروی بیماران، عملاً امنیت جانی پزشکان و پرسنل مراکز درمانی را به‌خطر می‌اندازد و فشار روانی فراوانی به آنها وارد می‌آورد؛ زیرا بیماران دچار وابستگی شدید، در صورت عدم‌دریافت دارو ممکن است دچار بی‌قراری، رفتارهای پرخطر و تنش‌های جدی شوند که کنترل آن از توان مراکز خارج است.»

بانک ملی ایران

مزایده املاک و اموال تملیکی و مازاد بانک ملی ایران
نوبت هفتم سال ۱۴۰۴ استان اردبیل

بانک ملی ایران اداره امور شعب استان اردبیل در نظر دارد تعدادی از اموال مازاد خود را از طریق مزایده الکترونیکی سامانه تدارکات دولت (ستاد ایران) به صورت نقد و اقساط بفروش برساند.

۱- مدت و شرایط تقسیط:

شرایط واگذاری اموال از تخلیه و متصرفدار

ردیف	کاربری	پیش پرداخت	مدت تنفس	نحوه بازپرداخت	نرخ سود
۱	کلیه اموال با کاربری‌های صنعتی - دامداری - کشاورزی - زراعی و اموال مشاعی با هر نوع کاربری	حداقل ده درصد	حداکثر ۱۲ ماه	حداکثر ۴۸ ماه اقساط متوالی ماهیانه	نرخ سود معادل حداکثر نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار (در حال حاضر ۲۳٪)
۲	کلیه اموال با کاربری‌های مسکونی-تجاری-اداری-خدماتی (به استثناء ردیف سوم)	حداقل ده درصد	حداکثر ۳ ماه تنفس	حداکثر ۵۷ ماه اقساط متوالی ماهیانه	
۳	املاک تخلیه مسکونی، تجاری و اداری واقع در تهران، مشهد، اصفهان و ویلاهای مازندران	حداقل ده درصد	حداکثر ۳ ماه تنفس	حداکثر ۵۷ ماه اقساط متوالی ماهیانه	

تاریخ برگزاری و انتشار مزایده: از ساعت ۸:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ می‌باشد.

مهلت دریافت اسناد مزایده: از ساعت ۸:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ تا ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۲ می‌باشد.

مهلت ارائه پیشنهاد و شرکت در مزایده: از ساعت ۸:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ تا ساعت ۱۹/۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ می‌باشد.

تاریخ بازگشایی پاکتهای الکترونیکی: ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ خواهد بود.

توجه: امکان شرکت در مزایده بدون دریافت اسناد مزایده میسر نمی‌باشد لذا متقاضیان شرکت در مزایده حتماً می‌بایست جهت شرکت در مزایده تا قبل از اتمام تاریخ مهلت دریافت اسناد مزایده (ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۲) نسبت به دریافت اسناد مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) اقدام نمایند.

متقاضیان خرید برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند از طرق ذیل اقدام نمایند.

۱- تماس تلفنی با شماره تلفن ۳۳۲۴۹۹۱۲-۰۴۵

۲- مراجعه به سایت بانک ملی ایران به آدرس www.bmi.ir بخش مناقصه و مزایده، مزایده سراسری (نوبت هفتم اموال غیرمنقول و نوبت ـــ اموال منقول) اموال تملیکی و مازاد اداره امور شعب استان اردبیل

۳- مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) www.setadiran.ir مزایده، مزایده دستگاه اجرایی، مزایده گر (مزایده شماره ۲۰۰۴۰۰۱۳۸۷۰۰۰۰۰۷ اموال غیرمنقول و مزایده شماره ـــ برای اموال منقول)

۴- مراجعه حضوری به کلیه ادارات امور و شعب بانک ملی ایران

م الف: ۳۴۹۷ شناسه آگهی: ۲۰۷۳۴۱۸